

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش:

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسئول مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی

سعادت چیست ؟

مفهوم سعادت و معانی اصطلاحی آن و فهم ما از سعادت یکی از مطالب مهم و مرکزی در جوامع بشری و زندگی ما انسانها بشمار میرود. یکی از سوال های مهم در زندگی انسان اینست که در یابد سعادت چیست؟ سعید و خوشبخت کیست؟ سعادت واقعی چیست؟ و چطور میتوان انسان به سعادت واقعی دست یابد؟ یافتن جواب درست و منطقی به این سوالات، به اطمینان کامل حلی برای بسیاری از مشاغل ما شده میتواند و درک مفردات آن امر بسیار مهمی بشمار میرود.

سعادت در فرهنگ هر ملت و حتی هر انسان مفهوم، محتوی و تعاریف مختلفی دارد. هر گروه و فرقه انسانی سعادت را به شکل خاصی و ذوق خود تعریف و تشریح نموده اند و فهم خویش را ازین مفهوم دارند. کلمه سعادت یا خوشبختی در لغت، توسط علماء به معنای سعادت و خوش طالعی مورد ترجمه و تفسیر قرار گرفته است. همچنان علماء در تعریف سعادت میگویند: «سعادت: رسیدن به هر نوع کمال ممکن که انسان استعداد و شایستگی وصول به آن را دارد» و یا به عبارت دیگر: سعادت عبارت از استفاده صحیح، سالم و مشروع از نیروهای مختلف مادی و معنوی که پروردگار در تصرف و اختیار انسان قرار داده است.

این فهم را قرآن عظیم الشان (در سوره شمس آیات: ۷-۱۰) با زیبایی خاصی خویش چنین معرفی میفرماید: (نفس و ما سویها فالهمها فجورها و تقویها قذافلا من زکیها و قد خاب من دسیها) از فحوی آیات متبرکه که با صراحت تام معلوم میگردد که: فلاح انسان در گرو تزکیه نفس است و «فلاح» همان سعادت و کمال نفس انسانی است؛ از این نظر که موجب رستگاری و رها شدن انسان از مشکلات است. از آن نظر که موجب دستیابی به خواسته هاست «فوز» و از نظر اینکه مطلوب ذاتی است «سعادت» نامیده می شود.

اگر ما حکمت و فلسفه خلقت انسان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم با وضاحت تام در خواهیم یافت که، هدف از خلقت جهان و به تعقیب آن خلقت انسان، رساندن انسان به کمال فضیلت و رساندن انسان به بالاترین کمال انسانی است، بنابر همین منطق است که گفته میتوانیم که انسان فطرتاً مخلوق کمال جو و سعادت طلب خلق گردیده است. بناءً همه انسانها میخواهند خود را به سعادت گم شده خود برسانند.

ولی در این جای شک نیست که انسانها برای رسیدن به معراج سعادت برای خود راه ها و وسایل مختلفی را مطرح و پیش بینی می نمایند. برخی از انسانها رسیدن به سعادت و خوشبختی متصور خویش را در رسیدن به «لذت» ظاهری و برخی دیگر از انسانها «لذت های» باطنی را مایه سعادت و خوشبختی معرفی میدارند. این سبب، سعادت را به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان به طور یکنواخت و هماهنگ که موجب کمال انسان می شود، معنا کرده اند. (رساله سیمای خوشبختی، نوشته حمید رسائی، ص ۱۷).

همچنان علماء بدین باور و عقیده اند که هر کدام از دو خصوصیت (سعادت و شقاوت) برای خود معنای بخصوصی دارند. بطور مثال: «روح» دارایی سعادت و شقاوتی است. و «جسم» هم دارایی سعادت و شقاوتی بخصوص خود میباشد. بنابر همین منطق است که قرآن عظیم الشان انسان را موجودی مرکب از جسم و روح معرفی داشته است. روحی ابدی و جسمی متحول و متغیر. بنابر این آنچه را که تنها مربوط به سعادت، «روح» انسان است. مانند علم، تقوا و امثال آن، از سعادت های انسانی می شمرد و همچنین اموری که سعادت جسم و روح را با هم دربر دارد، از

سعادت‌های انسان محسوب می‌فرماید: مانند نعمت مال و اولاد بشرط آنکه انسان را از یاد پروردگار غافل نکند و دلبستگی به حیات دنیوی را به دنبال نداشته باشد. همچنین سعادت انسان اموری است که در ناحیه جسم و بدن سختی و ناملایماتی را بوجود آورد ولی در ناحیه روح از سعادت شمرده می‌شود، مانند قبول مشقت‌های جسمی در راه خدا، انفاق اموال در راه خدا. اما اموری که در روح شقاوت ایجاد کند، گرچه سعادت جسمانی را به همراه داشته باشد، هیچ گونه سعادت را همراه ندارد، مانند لذایذی که فقط جنبه دنیوی غیر مشروع داشته و این لذایذ غیر مشروع دنیوی موجب فراموشی از یاد خداوند گردد. این نوع لذایذ و به اصطلاح سعادت غیر مشروع جسمانی را پروردگار برای انسان در واقعیت عذاب شمرده است.

دین مقدس اسلام، به انسان هشدار می‌دهد که مفهوم زندگی این نیست که انسان یکسره خود را به لذایذ و رنج‌های دنیوی منحصر شمارد. بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان‌ها در راه است و این انسان است که می‌تواند انتخاب کند زندگی زودگذر و فانی، یا سعادت جاودانه و ابدی و همیشگی. دین اسلام درین راستا اعتدال را مراعات کرده و برای بهره‌گیری از لذایذ مادی و معنوی حدود و ثغور بس‌عالی و انسانی را تعیین نموده که با پیروی همان گونه که از طبیعت این دین که دین دنیا و آخرت است رهنمایی و هدایت میکند. پیروی از این اصول سبب صلاح و فلاح دنیا و آخرت خواهد بود.

مسئله است که سعادت و خوشبختی از آن انسانها و جوامع بشری است که آسایش خاطر و آرامش بیشتری داشته باشند. برای عده‌ایکه سعادت و خوشبختی را تنها در داشتن مال دنیا خلاصه میکنند باید گفت که: مال و ثروت و قدرت، به هیچ صورت منشاء سعادت و خوشبختی به حساب نمی‌آید، زیرا ثروت و قدرت، رفاه می‌آورند اما حتمی نیست که آرام بخش باشند. یکی از دانشمندان انگلیسی می‌گوید: برای مردم عاقل، ثروت یکی از عوامل اضطراب و بدبختی است. مسأله مهم این است که باید بگوئیم تا مالک ثروت خود باشیم، نه بنده آن. ما باید امیر نفس باشیم نه اسیر نفس. کسانی که در عشق ثروت و قدرت فرو رفته اند و همیشه خود را اسیر آن ساخته‌اند و متداوماً در فکر آن می‌باشند که مبادا در کشمکش حوادث، مال و دارایی خویش را از دست ندهند، بناءً همیشه در فکر غرق اند. باید دانست که همچو اشخاص به هیچ وجه روی خوشی را نخواهند دید. باید تعمق کرد و دانست که در کفن جیب نیست (آن هم به گمان است که ببری یا نبری).

انسان چگونه میتواند به سعادت حقیقی دست یابد:

۱- کسب رضای پروردگار: اولین چیزیکه انسان میتواند به سعادت واقعی و حقیقی برسد همانا کسب رضای پروردگار با عظمت است. قرآن عظیم الشان در سوره عصر، آنعه از انسانهای را از خسران مستثنی می‌سازد که آنان مؤمن و نیکوکار باشند. قرآن با صراحت تام بیان میدارد: انسانهای مؤمن و نیکوکار به طور حتمی به فلاح و رستگاری دست می‌یابند. (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَّوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ) علماء علم اخلاق میگویند خوش بخت کسی است که زندگی خوشایندی داشته باشد و رسیدن به این مأمول جز با رضای پروردگار در چیزی دیگری بدست نمی‌آید.

۲- تقوا و پرهیزگاری: دومین عامل رسیدن به سعادت حقیقی را قرآن عظیم الشان در سوره شمس آیه (۹) پس از یازده سوگند و قسم چنین بیان میدارد: سعادت و رستگاری نصیب آنعه از انسانهای است که خود را از پلیدی تطهیر کند و بدبخت کسی است که به ناپاکی روی بیاورد.

یکی از عوامل ارسال کتب سماوی و ارسال پیغمبران الهی در همین فهم خلاصه میگردد، پیغمبران آمده‌اند تا برای ما انسانها راه زندگی و رسیدن به زندگی سعادتمند ابدی را نشان دهند. پیامبران الهی مبعوث گردیده‌اند تا برای بشریت راه خیر و راه رسیدن به سعادت را تعلیم دهند. یکی از اهداف رسالت انبیاء همین است که برای انسانها راه‌ها و طرق ورود به زندگی سعادتمند، خوش بختی، نیکی و نیکوکاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی را بیاموزند.

۳- یاد پروردگار: مهمترین عامل و وسیله‌ایکه موجب خوشی و آرامش روح انسان میگردد، همانا یاد پروردگار است. قرآن عظیم الشان در (سوره رعد: آیه ۲۸) مهم‌ترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد پروردگار معرفی داشته است: (إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)، تنها با یاد پروردگار است که، قلب‌ها آرام می‌گیرند. البته روی گرداندن از یاد الله را عامل سیه‌روزی و بدبختی معرفی داشته و میفرماید: (هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی اش سخت میشود) (سوره طه آیه ۱۲۴) اما باید گفت راز خوشبختی تنها در نور ایمان الهی نهفته است و بس. انسانهایی در زندگی خویش خوشبخت هستند که از آرامش نفس و روح حقیقی برخوردار باشند. آنعه از انسانهایی که سعادت را صرف در زراندوزی و انباشتن مال و منال می‌پندارند در اشتباه‌اند. تجربه به اثبات رسانیده

است که مال ، و دارایی زیاد هیچ وقت برای انسان سعادت را به بار نیاورده ، در زیاتر از موارد همین مال و ثروت است که باعث مصیبت ها و فلاکت های متعددی برای انسان میگردد .

۴- **عمل صالح:** قرآن عظیم الشان عمل صالح را در اعمالی مانند جهاد فی سبیل الله ، امر به معروف ، نهی از منکر ، بجا آوردن شکر نعمت های الهی و توبه را مایه ، زندگی با سعادت برای انسان معرفی داشته است.

۵- **مجالست و هم نشینی با علماء و بزرگان:** پیغمبر اسلام میفرماید (سعادت مندترین انسانها کسانی اند که با علماء و شخصیت های بزرگوار و کریم هم نشینی داشته باشند.)

۶- **داشتن اولاد صالح:** زن صالحه و منزل شایسته؛ از جمله عواملی است که واقعاً انسان را به سعادت مندی واقعی میرساند : در حدیثی از پیغمبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم روایت است که میفرماید : «**من سعادة المرء المسلم الزوجة الصالحة و المسکن الواسع و المركب الهنيء و الولد الصالح** ؛ از سعادت انسان مسلمان است که زن شایسته ، خانه وسیع ، مرکب راهوار و فرزند شایسته نصیبش باشد».

هموطنان و خوانندگان گرامی و محترم!

نصیبت و توصیه اخلاصمندان ، دوستانه و برادرانه من برای رسیدن به زندگی با سعادت و بهتر ، این است: که باخود تعهد نمائیم که مرتکب گناه نشویم. من معتقدم که هرچه گناه و عصیان کمتر باشد زندگی سعادت مند و لذت مند در اختیار خواهیم داشت. بر ماست تا باطن ما بهتر از ظاهر ما باشد.

خوش خلقی را نباید در زندگی فراموش کرد، آنچه که در زندگی از آن فایده ای و سعادت اصلی متصور نیست آنرا باید ترک کرد ما باید به این نتیجه در زندگی خویش برسیم که در دنیا آنچه نصیب انسان میماند که به کار آخرت آید. انسان نباید فریب مال و منال دنیا را خورده و همیشه در فکر پول و پیسه و دارایی برآید. در این هیچ جای شک نیست ، انسان نمیتواند کار و زحمت بکشد تا محتاج کسی نشود و دستش برای دیگران دراز نشود. اما مراعات اعتدال و اوامر الهی درین رستا سبب صلاح و فلاح هر دو عالم خواهد گردید.

الهی ما را سعادت دارین نصیب فرما.

الهی پرودگارا بر خود ظلم روا داشته ایم اگر بر ما ترحم و گذشت نه کنی از جمله خساره مندان خواهیم بود.

ربنا ظلمنا انفسنا ان لم تغفر لنا و ترحمنا فنكونن من الخاسرين.

و من الله التوفيق